

عنوان مقاله:

نظریه ذات گرایانه ابتنا و چالش مبنائگرایی

محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 18، شماره 71 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

میثم زندگی گوهرریزی - دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

داود حسینی - دانشیار فلسفه، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نظریه ابتنا ساختاری لایه بندی شده از واقعیات ارائه می دهد. اگر واقعیات های شامل رابطه ابتنا را در نظریه وارد کنیم، وضعیت آن ها در سلسله مراتب واقعیت ها چیست؟ طبق اصل خلوص این واقعیت ها نمی توانند بنیادین باشند چرا که شامل بخش غیربنیادین هستند. آن ها ناگزیر باید بر واقعیتی دیگر مبتنی باشند. غیربنیادین بودن این واقعیت ها، به همراه اصولی دیگر، منتج به تولید زنجیره ای از واقعیات های شامل رابطه ابتنا می شود که می تواند خوش بنیادی رابطه ابتنا را تهدید کند. خوش بنیادی رابطه ابتنا به جهت اینکه مبنائگرایی (وجود یک لایه بنیادین از واقعیت ها) را تضمین می کند، مطلوب است. در این مقاله نظریه های رایج در مورد ابتدای ابتنا را شرح می دهیم و نیز رویکردهای متفاوت برای خوش بنیاد ساختن ابتنا را معرفی می کنیم. این نظریه ها شامل یک نظریه فروکاست گرا به نام ذات گرایانه ابتنا و دو نظریه که واقعیت های شامل ابتنا را بر چیزی در نظریه مبتنی می دانند هستند. دو نظریه اخیر نظریه سراسر است و نظریه صفر مبتنی نام دارند. در این مقاله نشان می دهیم دو نظریه سراسر است و نظریه صفر مبتنی با تعاریف خوش بنیادی سازگار و در نتیجه مبنائگر هستند. در طرف مقابل نشان می دهیم نظریه ذات گرایانه ابتنا طبق هیچ کدام از تعاریف ها خوش بنیاد نیست. تلاش می کنیم اصلاحی از نظریه ذات گرایانه ابتنا ارائه کنیم که بتواند خوش بنیادی را در خود داشته باشد. نشان می دهیم که این تلاش اگرچه تا حدی موفق است، هنوز ابهاماتی را باقی می گذارد.

کلمات کلیدی:

ابتنا، ابتدای ابتنا، مبنائگرایی، خوشبنیادی، نظریه ذاتگرایانه ابتنا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1634533>

